



۲۰۱۹/۱۰/۰۷



مرجان کمال

تحریک طالبان

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت بیست و یکم



دل خویشان نمیدانم که چون است
که از دست شکیبایی بیرون است
که باران بیشتر سیلاب خون است
که بار از طاقت مسکین فزون است
زمانه مادری بی مهر و دون است
که از دوران آدم تا کنون است
همی بینم که عنوانش به خون است

غریبان را دل از بهر تو خون است
عنان گریه چون شاید گرفتی
اگر سبزه نروید بر لب جوی
شکیبایی مجوی از حال مهجور
که دنیا صاحبی بی عهد و خون خوار
نه اکنون است بر ما جور ایام
نمی دانم حدیث نامه چون است



شکل گیری یک ائتلاف نو:

یک تعداد دلایل عمیق از نظر تاریخی که سبب برهم خوردن تعادل مناطق قبیایلی گردید، در تشکل و دورهم جمع شدن جنگجویان مسلح جهادی، بعد از عملیات آزادی تغییر ناپذیر، نقش اساسی را دارا بوده است. در اثر عملیات نظامی جامعه بین المللی، شبکه های جهادی بین المللی مانند طالبان پاکستانی و همچنان طالبان افغان در منطقه قبیایلی عقب نشینی کرده و زمینه را برای تشکیل دوباره مساعد ساختند.

عملیات نظامی به رهبری امریکا یک رول مهم را در جذب شدن جوانان بیکار قبیایلی، به سوی جهاد بازی نموده و یک راه جدید را در مسیر شان قرار داد.

مخصوصاً بعد از اعلان به یک جهاد نو توسط ملا محمد عمر در ماه مارچ 2002 میلادی، برای جهادی های که در سال های 1990 میلادی به دور تحریک طالبان به بنیاد گرایی پیوسته بودند، بار دگر یک زمینه تازه جهت دوباره تشکیل شدن را پیش کش نمود.

عملیات «آزادی بی برگشت» دلیل بزرگ یک مرحله نو انتقادات گردید و سبب اعتراضات خشونت بار توسط جنگجویان شد که از دو دهه به این سوء در جریان است. در این دو دهه زندگی سیاسی و اجتماعی افغان ها تغییر بنیادی نموده است، طوری که قبلاً در بخش اول مشاهده نمودیم، گرفتن قدرت توسط طالبان در سال 1996 میلادی منشاء یک ساختار دوباره در ساحة سیاسی گردیده بود.

میراث جهاد علیه شوروی ها:

مناطق قبیایلی یک محیط به خصوص است که در آن جا نه تنها عرب ها و ازبک ها یک پناهگاه در نزد تیکه داران قبیایلی یافته اند، بلکه پول عرب ها توجه تبهکاران و رهزنان را نیز جلب نموده و به تحریک طالبان پیوستند.

هنگامی که ملا محمد عمر اعلان یک جهاد نو را علیه حضور نظامیان غربی صادر نمود، اعلان وی یک دلیل اساسی برای بسیج گردیدن جهادی های بین المللی شد. مقصد ملا محمد عمر هیچ وقت، جنگ برای پان - اسلامیزم در افغانستان نبوده، بلکه درخواست کمک برای تحکیم بخشیدن تکیه گاه برای خودش از جانب جهادی های بین المللی بود. برعکس انتخاب ستراتیژی ارتباطات، مخصوصاً رد نمودن رسانه های غربی برای خبر رسانی و رد نمودن کمک های مؤسسات غیر دولتی نشان دهنده این است که ائتلاف وی با جنبش های جهادی دیگر مانند القاعده، و دو حزب اسلامی خالص و جلال الدین حقانی و جنبش های طالبان پاکستانی حقیقت دارد.

در این جا نیز ابهام دیده می شود: زیرا ارتباط و ائتلاف با جهادست های دیگر که قبلاً ذکر شد، نشان دهنده یک طرز برخورد کمتر رادیکال در مقابل تکنالوژی وارداتی (موسیقی، انترنت و ویدئو...) دارند یعنی از داشتن حمایت خارجی ها برای ارتباط با رسانه ها و ستراتیژی تبادل رابطه، مانند تماس تلفونی با وسایل ارتباطی مدرن.

فلذا اگر سال 2003 میلادی نشان دهنده یک چرخش در مبارزه بین «وحشت و عامل وحشت و مظلوم» است، اما حمله به عراق بالای افکار عامه در افغانستان کدام پیامد خاصی نداشته و مخصوصاً در دهات و قریه جات و در جاهای که پایگاه های حمایت طالبان واقع می باشد.

جلال الدین حقانی دارای مدرسه منحصر به خودش در ولایت پکتیکا بوده و بر علاوه دارای یک تعداد دیگر مدارس در منطقه وزیرستان از سال های 1990 میلادی بود و هم منشاء ایجاد نمودن اولین پایگاه های تمرینات اسامه بن لادن در شروع سال های 1990 میلادی می باشد.

به قرار بعضی منابع، روابط جلال الدین حقانی با رهبری تحریک طالبان در سال های اخیر حاکمیت طالبان رو به خرابی گذاشت، لکن در زمان اعلان جهاد نو توسط ملا محمد عمر فوراً به آن ها پیوست و وظیفه قومندان عمومی امور نظامی را در مناطق جنوب شرقی همراهی ملا محمد منصور به دوش داشت و به زودی به حیث قومندان عمومی امور نظامی در سال 2006 میلادی منصوب گردید.

حزب اسلامی گلبدین حکمتیار که به ایران پناه برده بود، زیرا طالبان بعد از گرفتن کابل در سال 1996 میلادی وی را از پایگاهش که در ولسوالی چهارآسیاب ولایت کابل موقعیت داشت، بیرون راندند و وی به ایران پناه برد، و از آن جا اعلان یکجا شدن به جهاد را در سال 2003 میلادی نمود. بالاخره ولایت کنر از سال های 1980 میلادی شاید مستقر شدن یگانه حزب گردید، که از سلفی ها الهام گرفته بود.

از طرف دیگر حزب لشکر طیبه پاکستانی در همین جا به وجود آمد. لشکر طیبه، رهبری تحریک طالب ها را قبول نموده و اعلان جهاد را تحت رهبری طالب ها نمود.

حزب اسلامی گلبدین حکمتیار جهاد علیه حضور نظامیان بین المللی را از پناهگاه خود در ایران در سال 2003 میلادی شروع نمود، نظر به منابع مختلف که وی اغتشاش را از کوه های کنر پیش می بُرد. محکم نمودن روابط با القاعده:

جنگجویان حزب اسلامی گلبدین حکمتیار زیادتیر پشتون ها بودند، اعضای بلند پایه این حزب را در سال های 1980 و 1990 میلادی اشخاص تعلیم یافته شهری که اکثراً انجنیر بودند، تشکیل می داد.

تنظیم مولوی محمد یونس خالص یک انشعاب حزب اسلامی گلبدین حکمتیار می باشد، که این تنظیم زیادتیر در جنوب - شرق تحت فرماندهی جلال الدین حقانی و در شرق تحت فرماندهی حاجی عبدالحق و حاجی قدیر که هر دو وفات نموده اند، وظیفه اجرا می نمودند. قومندان عبدالحق یکی از فرماندهان جهادی بود که به تاریخ 26 اکتوبر 2001 میلادی در ولایت لوگر به دست طالبان کشته شد. حاجی عبدالحق و برادرش حاجی عبدالقدیر از جمله فرماندهان مهم حزب اسلامی مولوی محمد یونس خالص در شرق به شمار می رفتند. حاجی عبدالقدیر در سال 2002 میلادی توسط طالبان به قتل رسید. یونس خالص در سال 2006 میلادی به عمر 87 سالگی وفات نمود و در شهر جلال آباد به خاک سپرده شد. وی رهبری تنظیم اش را به پسرش واگذار نمود. با ختم جهاد و درگرفتن جنگ های داخلی در کابل، مذاکرات صلح در جلال آباد به ابتکار حاجی قدیر برای حل اختلافات مختلف بازیگران جنگ های داخلی کابل برگزار شد.

فامیل ارسلا که حاجی قدیر مربوط آن می باشد، خط سیر سیاسی خود را تغییر می دهد. لکن جلال الدین حقانی به جهاد خود از طریق شبکه پکتیا دوام می دهد، این فعالیت وی را، ادغام بسیار زیاد ملیشه های عرب که در منطقه ولایت سرحدی شمال - غرب پاکستان موجود اند، همراهی می کردند.

نیک محمد رهبر تحریک طالبان پاکستان (TTP) که در وزیرستان جنوبی پایگاه دارد نیز از ملا محمد عمر اطاعت می کند، لشکر طیبه نیز به تحریک طالبان افغان پیوست و اعلان به سهیم شدن در جنگ را داد. به این

ترتیب، یک ائتلاف وسیع به دور تحریک طالبان نسل اول در مناطق قبایلی در سال 2002 میلادی بسیج گردید. این جهاد نو تحت تأثیر سخنرانی بنیاد گرایان عرب که در منطقه مستقر بودند، می باشد. مهم تر از همه که طالب های نو در جنبش جهادپست های بین المللی بعد از 2001 میلادی جذب و ملحق شدند. ترکیب دوباره تحریک طالبان در مناطق قبایلی که با نزدیک شدن با شبکه القاعد همراه بود، به حیث نتیجه اتخاذ یک ستراتیژی برای بهتر ساختن ظرفیت تدابیر جنگی جنگجویان می باشد. به همین ترتیب تشکیل یک ائتلاف نو با احزاب اسلامی خالص و حقانی عواقب و پیامد هائی بالای طبیعت عقیدتی تحریک طالبان دارد.

این عواقب اساساً دارای دو کتگوری می باشد:

یکی متجانس ساختن اصول عقیدتی و فعال ساختن پدیده های مبارزه برای دستیابی به منابع، که داؤبالایی خشونت را پیشنهاد می کند.

دومی یک تعداد مبارزین افغان اند که عین ایدیالوژی القاعده را اتخاذ نکرده و با هر دو حزب دیگر، با وجودی که همه شان همکار و هم پیمان در مبارزه علیه قوت های بین المللی در افغانستان می باشند، همسوئی ندارند. یک تغییر شکل بزرگ یقیناً به عمل آمده است:

ملا محمد عمر در سخن رانی های خود از عناصر جهاد بین المللی یاد آوری نموده و موجودیت شان را دلیل فشار ها و تهدید هائی دانست که از طرف «یهودی ها و صلیبی ها» بالای جامعه اسلام وارد گردیده است، با وجود این نوع گفتار، تفاوت هایش با شبکه های جهادپست های بین المللی دوام دارد.



ادامه دارد